

تدبیر توسعه؛

فراتر از ابعاد علمی و فنی



انديشكده تدبير آب ايران

اتاق بازرگاني، صنايع، معادن و کشاورزي كرمان

بينش راهبردي (۲)

تدوين‌كنندگان: سيد احمد حسيني، حميد پشتوان

مقدمه

تقاضا برای آب به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه مانند ایران، چین، برزیل، هند و مکزیک تا حد زیادی تحت تأثیر رشد جمعیت، شهرنشینی، سیاست‌های امنیت غذایی و انرژی و فرایندهای اقتصاد کلان نظیر تجارت جهانی و تغییر در الگوی مصرف روندی فزاینده دارد. در نتیجه این روندها، تقاضا برای آب و کالاها و خدمات متکی به منابع آب به‌گونه‌ای افزایش یافته است که این کشورها شاهد نابودی زیستگاه‌ها و سرمایه‌های طبیعی (رودخانه‌ها، تالاب‌ها و دریاچه‌ها) و سرمایه‌های اقتصادی (باغات، مزارع، صنایع کشاورزی، شیلات و دامداری) هستند. برای نمونه، در شش دهه اخیر، شمار ساکنان در ایران، سه و نیم برابر و جمعیت شهری شش برابر شده است. در این چند دهه، سطح کشت آبی با هدف امنیت غذایی و توسعه کشاورزی به بیش از سه‌برابر افزایش یافت، سطح کشت محصولات آب‌بر افزایش یافت و متداول‌شدن کشت مجدد موجب افزایش حجم برداشت آب کشاورزی به دو برابر شده است. این در حالی است که منابع تأمین‌کننده، غالباً محدود و آسیب‌پذیر بوده است.

واقعیت این است که توسعه بدین شیوه، بار بیش از اندازه‌ای را بر امکانات طبیعی این سرزمین تحمیل می‌کند و اساساً با توان و محدودیت‌های منابع آب، ناسازگار است. از این روست که باید به پرسش‌های بنیادینی از این دست اندیشید که: **برای مهار اثربخش و پایدار نیروهای مؤثر توسعه بر افزایش تقاضای آب به‌منظور تضمین پایداری چه باید کرد؟** یا به بیانی ساده، **چگونه می‌توان با مصرف آب کمتر، اقتصاد بزرگ‌تر توأمان با محیط زیست سالم داشت؟**

صرف نظر از نوع و مسیر توسعه‌ای که بر بنیاد واقعیت محدودیت منابع آبی کشور پی‌ریزی و طراحی شود، لازم است به پیش‌نیاز بسیار مهم و بایسته‌ای توجه داشت که تاکنون بر آن تأکید چندانی نبوده و در نتیجه، توسعه را به معنای واقعی آن فراهم نیاورده است: شکل‌گیری دستگاه منسجم فکری برای تدبیر توسعه بر پایه اجماع و توافق ذینفعان.

نوشتار حاضر بر پایه گزارش «توسعه کم‌آب‌بر، تأملی در بازسازی مسیر توسعه کشور» تهیه شده است و کوشیده است ضرورت و اهمیت اتفاق نظر ذینفعان را در تدبیر توسعه، به عنوان مسئله‌ای که باید عناصر فرهنگی آن را مورد توجه قرار داد برجسته سازد.



پیام کلیدی

✓ نسخه‌نویسی توسعه صرفاً به دست نخبگان و بوروکرات‌ها براساس نگرش‌های فنی و ملاحظات علمی امری بی‌حاصل است.

✓ الگوهای توسعه، فراتر از ابعاد فنی و علمی، بر مناسبات قدرت و جنبه‌های حقوقی و سیاسی کار تأکید دارد.

✓ انتخاب الگوی توسعه باید برپایه اجماع و توافق جمعی پی‌ریزی شود.

✓ فرایند تدبیر توسعه باید در قالب یک فرایند فرهنگی گسترده و پیچیده میان عناصر اصلی فرهنگ و بر پایه گفت‌وگوهای چندجانبه مابین ارکان مختلف حکمرانی (مردم، دولت، بخش خصوصی) در نظر گرفته شود.

✓ وجود انسجام، ائتلاف و همکاری مابین ارکان مختلف حکمرانی آب از شاخصه‌های اصلی وجود اجماع و توافق جمعی در نظر گرفته می‌شود.

✓ برای ایجاد فهم صحیح از توسعه، و تحول به سمت توسعه‌ای منفک از منابع طبیعی (به ویژه منابع آب)، به توسعه فرهنگی در ابعاد مختلف نیاز است تا باورها، ارزش‌ها، هنجارها و رفتارهای مشترک جدیدی شکل بگیرد.

تدبیر توسعه، نیازمند اجماع و توافق

همکاری مابین ارکان مختلف حکمرانی آب (مردم، بخش خصوصی، دولت) که بیانگر وجود اجماع و توافق در جامعه است، پیدا شود.

بر این مبنای، به‌طور خلاصه باید گفت که **فرایند تدبیر توسعه بیش و پیش از همه، باید بستر فرهنگی را مورد توجه قرار دهد تا بتواند مبتنی بر اجماع در مسیر توسعه‌ای سازگار با ظرفیت محیطی، و کاهش و قطع وابستگی رشد اقتصادی به منابع طبیعی (ویژه منابع آب) قرار گیرد. تغییر سبک زندگی، تغییر نظام اقتصادی و تغییر در برنامه‌ریزی فضایی مناسب سرزمین، سه برون‌داد این فرآیند است که می‌توان انتظار داشت. (شکل ۱)**

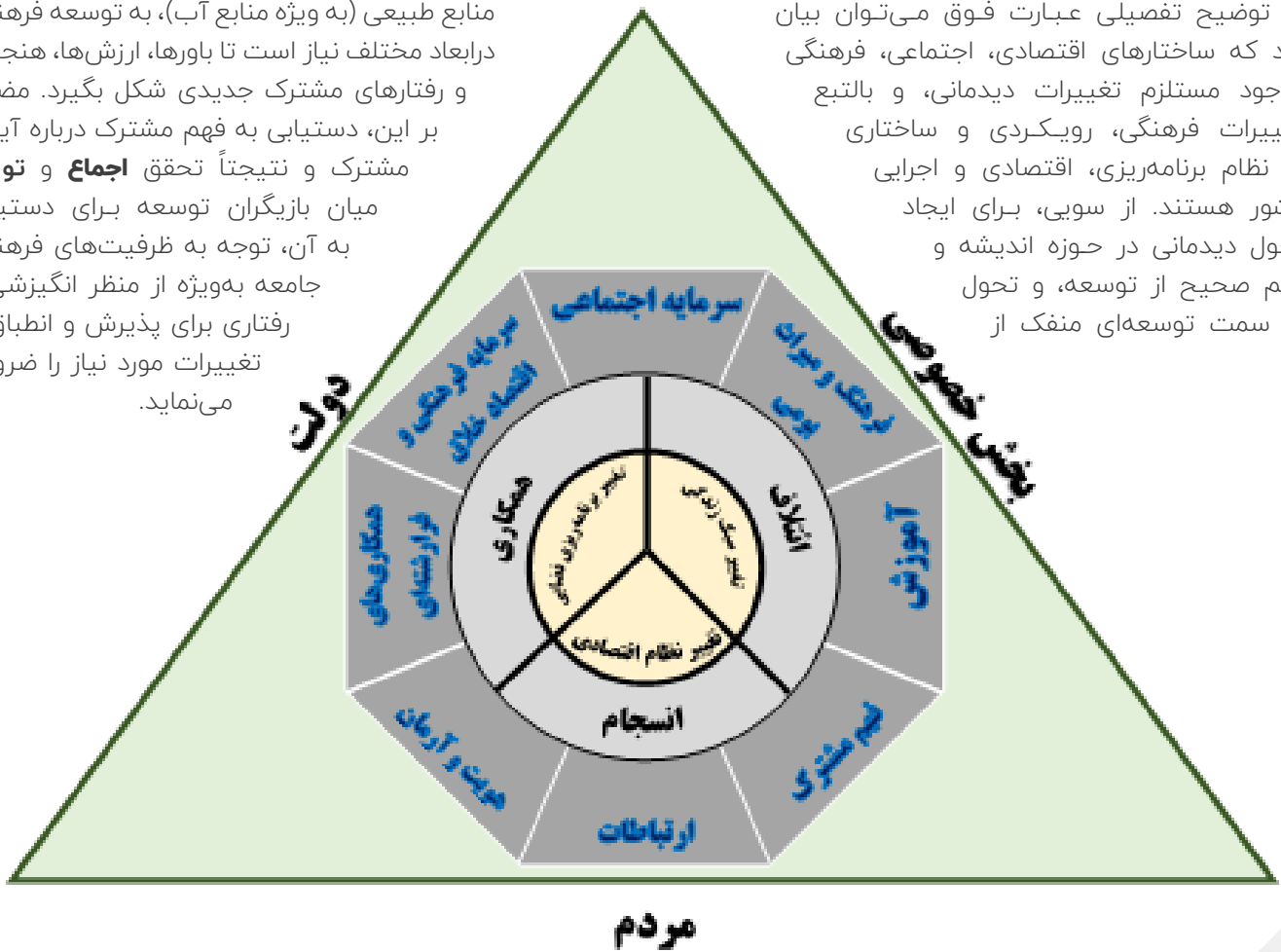
تدبیر توسعه، فراتر از ابعاد فنی و علمی، بر مناسبات قدرت و جنبه‌های حقوقی و سیاسی کار تأکید می‌شود. یعنی، توسعه را باید امری سیاسی و گسترده‌تر از ملاحظات فنی بوروکرات‌ها دید. در نتیجه به جای تأکید بر برنامه توسعه، نخست باید دستگاه فکری منسجم و بستری برای تدبیر توسعه فراهم آورد، چرا که ذینفعان توسعه، مادامی که قاعده مشخصی را نپذیرند و بر اصولی **اجماع و توافق** نکنند، دنبال توسعه‌رفتن بی‌حاصل است. دشواری امر اینجا است که رسیدن به چنین اجماع و توافقی میسر نمی‌گردد به جز با برقراری و ایجاد تعامل و ارتباط میان عناصر اصلی فرهنگ در جامعه از مجاری مشخص و با شیوه‌های معین تا مجالی برای ایجاد **انسجام، ائتلاف**

در تفکر رایج درباره رابطه «آب و توسعه»، دو کاستی بارز را می‌توان بازشناخت که نیازمند تغییر و اصلاح‌اند. نخست، دیدمان تک‌بعدی و خطی «آب به عنوان محرک/ محدودیت توسعه» و دوم، نسخه‌نویسی توسعه به دست نخبگان و بوروکرات‌ها با نگرش فنی و ملاحظات علمی صرف. رفع کاستی اول، از مسیر دیدگاه «آب به عنوان تسهیل‌کننده و کاتالیزور توسعه» میسر است که رابطه دوسویه‌ای را برای برنامه‌ریزی بخش آب و سایر بخش‌ها توصیه می‌کند و تغییرات ساختاری برای مدیریت دو نوع برنامه بخشی و فرابخشی برای آب را لازم می‌داند. رفع کاستی دوم، مستلزم **توافق و اجماع** میان همه دست‌اندرکاران نظام تدبیر بر سر آینده مشترک است. به بیانی دیگر، در فرآیند

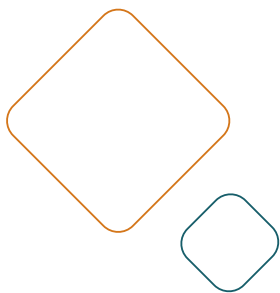


منابع طبیعی (به ویژه منابع آب)، به توسعه فرهنگی درابعاد مختلف نیاز است تا باورها، ارزش‌ها، هنجارها و رفتارهای مشترک جدیدی شکل بگیرد. مضاف بر این، دستیابی به فهم مشترک درباره آینده مشترک و نتیجتاً تحقق **اجماع** و **توافق** میان بازیگران توسعه برای دستیابی به آن، توجه به ظرفیت‌های فرهنگی جامعه به‌ویژه از منظر انگیزشی و رفتاری برای پذیرش و انطباق با تغییرات مورد نیاز را ضروری می‌نماید.

در توضیح تفصیلی عبارت فوق می‌توان بیان کرد که ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی موجود مستلزم تغییرات دیدمانی، و بالتبع تغییرات فرهنگی، رویکردی و ساختاری در نظام برنامه‌ریزی، اقتصادی و اجرایی کشور هستند. از سویی، برای ایجاد تحول دیدمانی در حوزه اندیشه و فهم صحیح از توسعه، و تحول به سمت توسعه‌ای منفک از



شکل ۱- چارچوب مفهومی اجماع برای تدبیر توسعه





کادر ۱: تعاریف

- **انسجام (به هم‌پیوستگی):** وجود توافقات درونی مابین ملت در سطوح و عرصه‌های گوناگون که ناشی از یک نظام پیچیده موازنه و به دور از هرگونه اجبار و از طریق گفت‌وگو و چانه‌زنی پیرامون مسائل گوناگون اجتماعی ایجاد شده است.

- **ائتلاف (همیاری):** اتحادی میان مردم و نهادهاست که تلاش دارند بر نتایج یک مسئله مشخص تأثیر بگذارد. انگیزه ایجاد چنین ائتلاف‌هایی اهمیت اقدام جمعی در خصوص کاری است که هیچ یک از طرف‌های ائتلاف به تنهایی قادر به پیشبرد و تحقق آن نیستند. به عبارتی شرط مهم و اصلی شروع بسیاری از همکاری‌ها و همگامی‌های اجتماعی در مسیر توسعه، شکل‌گیری انواع ائتلاف‌ها در جامعه است. از ائتلاف‌های مهم مفید در کشورهای در حال توسعه‌ای مانند ایران می‌تواند ائتلاف میان بخش‌های مدرن - سنتی، احزاب سیاسی، قومیت‌ها و نژادها، بخش عمومی - خصوصی، کارگر و کارفرما، کنشگران دولتی و غیردولتی باشد.

- **همکاری (مشارکت):** عبارت است از فعالیت‌های مشترکی که بر اساس تقسیم وظایف میان مشارکت‌کنندگان به انجام می‌رسد، و هر فرد مسئول بخشی از حل مسئله است. همکاری زمانی به نتیجه می‌رسد که تمام مشارکت‌کنندگان، سهم مشخص شده خود را جداگانه به نحو احسن انجام دهند، که البته گاهی مشروط به اعمال دیگران است.

فرهنگ و مؤلفه‌های آن



کشورهای در حال توسعه، غالباً به سه گروه هویتی مستقل ملی‌گرا، سنت‌گرا (مذهب‌گرا) و غرب‌گرا اشاره می‌کنند که هر یک وطن‌پرستی خود را در یک رویکرد یک‌سویه، افراطی و غیر واقع‌بینانه به یکی از ارزش‌های سه‌گانه ارزیابی می‌کنند. از مصادیق آن رابطه فرهنگ ملی و فرهنگ مذهبی در دوران معاصر ایران است که از الگوی نامناسب پیروزی و شکست و نه هم‌افزایی پیروی کرده است و به همین دلیل هر دو رو به ضعف نهاده‌اند. این محققین توجه به توانایی‌های هر گروه در گذشته تاریخی سرزمینی‌شان و سنتز ارزش‌های متعلق به گروه‌های سه‌گانه را راه برون‌رفت از این شرایط بیان می‌دارند. البته برخی دیگر از دانشمندان علوم اجتماعی

۱) آرمان و هویت

فراهم‌نمودن ریشه‌ها (هویت) و تعیین هدف‌های غایی (آرمان) دو کارکرد اساسی فرهنگ است. به معنای دیگر فرهنگ می‌تواند شامل الگوهای آرمانی و هنجارهای رفتاری باشد که در صورت پذیرش از سوی جامعه، آنها سعی می‌کنند از مسیر هنجارهای رفتاری خود را به آن آرمان‌ها نزدیک کنند. این وجه از فرهنگ، کارکرد یادگیری و پرورش‌دهنده دارد که «بایدها» و «ارزش‌ها»ی مورد نیاز در حوزه آب را مشخص می‌کند. دانشمندان علوم اجتماعی، در بررسی علل تعارض ارزش‌های اجتماعی ناظر به آرمان‌ها و بحران‌های هویتی، خصوصاً در

«فرهنگ، سیستم به هم‌پیوسته پیچیده‌ای است که الگوی کلی آن به ما اجازه می‌دهد معنی اطلاعات و مشاهدات مشخص را دریافت کنیم.» به بیانی ساده، فرهنگ، هویت و تصورات یک جامعه را می‌سازد، چگونگی مرتبط‌شدن افراد و گروه‌ها را با یکدیگر مشخص می‌کند، چگونگی خلق معناها را مورد توجه قرار می‌دهد و چگونگی معناشدن قدرت را تعیین می‌کند. از این‌روست که فرهنگ به علت ماهیت سیستماتیک، تغذیه‌کننده و شکل‌دهنده‌اش نسبت به کلیه انگیزه‌ها و ساز و کارهای انگیزه‌ساز دیگر، در فرایند تدبیر توسعه چون چتری فراگیر در بالای سر ارکان مدیریت آب جای می‌گیرد.

معتقدند علل دیگر گسست تاریخی بین گروه‌های سه‌گانه فوق از منظر طبقات اجتماعی، عدم وجود منابع مشترک و به دنبال آن عدم امکان نفوذ فرهنگی در یکدیگر در بستر تاریخ بوده است که پیروزی‌های تک‌قطبی در این کشورها و رقابت تاریخی بین این دیدگاه‌ها از نتایج تلخ آن به شمار می‌رود. اینان معتقدند که **اتخاذ راهبردها و تدابیر فرهنگی مناسب در توسعه و بهره‌برداری از امکانات و مواهب مشترک طبیعی می‌تواند موجب کاهش شکاف‌های هویتی و بالتبع «نظام‌دهنده» و «وحدت‌بخش» باشد.** به این جهت که این فرایند موجب ایجاد و تقویت فرهنگ و باور مشترکی می‌گردد که نهایتاً می‌تواند با انگیزه‌ها و خواست‌های سودجویانه و موقت گروه‌های ذینفع/دی‌مدخل مقابله کند.

۲) فهم مشترک

رعایت قانون در جامعه تابعی از میزان فهم اجتماعی کنشگران در خصوص «عمل به قانون» است که ناظر بر عملکرد آنان است. از این جهت است که اجرای صحیح قوانین موکول به فهم مشترک افراد، مشروعیت قوانین در بعد فرهنگی و تعهد به قوانین در بعد اجتماعی است. متأسفانه با وجود پیشرفت‌های چشمگیر در حوزه صنعت و مهندسی آب و استفاده از فناوری‌های پیشرفته بعد از چند دهه در ایران و البته کشورهای مشابه، هنوز درک ریشه‌ای، مشترک و روشنی از نقش آب با کیفیت در تغذیه و تأمین بهداشت و سلامت عمومی، نقش خطرات متنوع مرتبط با آب در کندکردن فرآیند توسعه، حقوق محیط زیست و نسل‌های آینده از منابع آب سرزمین، ارزش میراثی و ذاتی آب و نظایر آن در فرهنگ عمومی جامعه به وجود نیامده است. پیوند و ارتباط امنیت آبی با سایر وجوه امنیت ملی، مانند امنیت غذایی و انرژی روشن نیست. این امر با بروز تعارض سیاست‌گذاری‌ها و هدف‌های حوزه آب با سلامت و بهداشت، اشتغال و معیشت، مکان‌یابی‌های

جمعیتی و اقتصادی و سرمایه‌گذاری‌های بخش عمومی، خود را در معرض توجهات افکار عمومی می‌گذارد. در درون بخش آب نیز اهداف مدیریت تقاضا و حفاظت از منابع آب کماکان در سایه هدف‌های توسعه منابع آب و نداشتن دید کافی از امکانات واقعی سرزمین واقع است. چنین مصادیق متعددی از روشن‌نبودن و فقدان درک مشترک از اهداف حوزه آب خبر می‌دهد.

بنابراین، برای جلوگیری از مقاومت‌ها در برابر اجرای مقررات (به‌طور مثال در حوزه منابع آب مانند رعایت حقایق‌ها در برداشت از منابع آب زیرزمینی) و پرهیز از دورزدن آنها، سیاست‌های فرهنگی به جهت کمک به مشخص‌کردن هدف‌های غایی (مشابه برخی موارد ذکر شده در بالا) و نزدیک‌کردن برداشت‌ها نسبت به آنها و رفع مغایرت اقدامات در صحنه عمل با تلقی عمومی از هدف‌ها، تأثیری برجسته خواهد داشت.

۳) ارتباطات

فهم مشترک، زمینه‌ساز رعایت قواعد در زندگی جمعی است؛ چرا که تفاهم جمعی منبع مقبولیت و ضامن رعایت قوانین در هر جامعه‌ای است. بنابراین برقراری و گسترش ارتباطات نهادی و انسانی از طریق ساز و کارهای با ثبات و امکانات نهادی برای اقناع جمعی از طریق گفت‌وگوی آزادانه و نتیجه‌بخش، یکی از نقاط اصلی تمرکز جوامع در مسیر توسعه پایدار است. مواجهه جوامع سنتی و برنامه‌های نوسازی در سده اخیر در کشورهای در حال توسعه مانند ایران، موجب شکل‌گیری فرآیند تاریخی گسست و تعارض بین طبقات اجتماعی از حیث آرمان‌ها و ریشه‌ها و در ادامه ترکیب و بازپیکربندی مجدد آنها شده است. این فرآیند موجب اختلال در وجه ارتباطاتی مابین طبقات اجتماعی منتج شده از این فرآیند گردیده است. به معنایی دیگر این تحولات تاریخی ارتباط و تعامل بین عناصر فرهنگی و همچنین استقلال نسبی آنها از یکدیگر را تا حد زیادی دچار مشکل کرده است.

۴) سرمایه‌های اجتماعی

یکی از علل فقدان وجود ارتباطات سازنده و مناسب میان مردم - دولت و مردم - مردم در امور مختلف از جمله مدیریت آب به واسطه ضعف در سرمایه‌های اجتماعی است. سرمایه اجتماعی به افراد یا جوامع امکان می‌دهد به هدف‌هایی دست یابند که بدون آنها ظهور ویژگی‌هایی از

با توجه به مطالب فوق، وجه ارتباطات به پرسش چگونگی تعامل جامعه، دولت و رسانه‌ها در مسیر رسیدن به فهم مشترک از موضوع، می‌پردازد. در این چارچوب «رسانه» می‌تواند مشوق و محرک ایجاد فهم مشترک گردد، به شرط آن‌که از شکل‌گیری صورت‌بندی خشونت‌بار و افراطی اجتناب نماید، چرا که ظرفیت گفت‌وگو در جوامع مشابه با ایران به علت ضعف در جامعه مدنی بسیار اندک است». برای عبور از این چالش، به واقع نباید به دنبال مقصر بود و هر فرد یا نهادی باید در این میدان تقصیر خود را ببیند، بپذیرد و در جهت رفع آن گام



زندگی اجتماعی مانند شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد که موجب کارایی بیشتر در تحقق هدف‌های اجتماعی می‌شود، دشوار به نظر می‌رسد. از این‌رو توافقات حاصله مابین مردم که در عرصه عمومی از طریق گفت‌وگوی آزاد و خردمندانه و به دور از سلطه مطرح و پس از حل نسبی تعارضات منتج می‌گردد، سرمایه‌های اجتماعی هستند که می‌تواند مبنای اصلی تنظیم قوانین عام و قابل رعایت از جانب عموم مردم باشد. از این مسیر است که متغیرهای برون‌زای فرهنگی و نهادی می‌توانند با وساطت سرمایه‌های اجتماعی مانند اعتماد عام و تسامح بر موفقیت‌های اقتصادی،

صنعتی و فناوری به منزله متغیرهای وابسته (به‌طور مثال تغییر نگرش درباره اطلاعات، تمایل به پذیرش اندیشه‌های جدید، تمایل به تغییر در رابطه با تغییرات فناورانه و نهادهای مرتبط با آن) تأثیر بگذارند. سرمایه‌های اجتماعی در بستری از همکاری‌ها و ائتلاف‌های گوناگون که از نتایج مثبت حضور ارتباطات سازنده جمعی در جوامع است، شکل می‌گیرد. ائتلاف عبارت است از: «اتحادی میان مردم و نهادهاست که تلاش دارند بر نتایج یک مسئله مشخص تأثیر بگذارد. بنابراین، انگیزه ایجاد چنین ائتلاف‌هایی اهمیت

اقدام جمعی در خصوص کاری است که هیچ یک از طرف‌های ائتلاف به تنهایی قادر به پیشبرد و تحقق آن نیستند. به‌طور مثال ائتلاف‌های مهم مفید در کشورهای در حال توسعه مانند ایران می‌تواند شامل ائتلاف میان بخش‌های مدرن - سنتی، احزاب سیاسی، قومیت‌ها و نژادها، بخش عمومی- خصوصی، کارگر و کارفرما، کنشگران دولتی و غیردولتی باشد. از مصادیق شکل‌گیری خوب چنین ائتلاف‌هایی در کشورهای در حال توسعه می‌توان به کشورهای جنوب شرق آسیا اشاره کرد که ائتلاف‌های فعالانه حکومت‌ها و بخش‌های خصوصی در قالب روابطی از شبکه‌های اجتماعی‌شان به چنان پختگی و بلوغ مناسبی از نظر تعداد و تجربه و گسترش رسیده‌اند که دستاوردهایی چون انباشت سرمایه، افزایش بهره‌وری و قانون‌گذاری مشارکتی از مصادیق عینی آن است.

۵) فرهنگ و میراث بومی

فرهنگ هر سرزمین به‌ویژه مناطق روستایی حجم زیادی از سرمایه‌های ناملموس را در خود جای داده که بسیار کم‌اهمیت و دست کم‌گرفته می‌شوند. سنت‌ها (مناسک و آئین‌های فرهنگی)، نگرش‌ها، ظرفیت‌ها، مهارت‌ها و قابلیت‌های مردم محلی، دانش فنی بومی (گیاهان دارویی)، کارهای هنری و خلاقیت‌ها، فرهنگ زندگی (تهیه خوراک‌های محلی) و شبکه‌های اجتماعی فعال از نمونه‌های آن هستند. در سده اخیر، به دلیل تبعیت از الگوهای نوسازی و دیدگاه‌های اقتصاد نئوکلاسیک و تکیه بر فرهنگ ابزاری در کشورهای در حال توسعه‌ای چون ایران، جایگاهی برای فرهنگ عمومی و بومی در نظر گرفته نشده است و ارزش‌ها و سنت‌های موجود با اتهام عقب‌ماندگی سرزنش شده و یا در مقابل «روابط جدید فنی، مدیریتی و اقتصادی» محکوم به خاموشی و سکوت شده‌اند. حال آن‌که ارتباط بین نهادها، گروه‌ها و اقشار جدید (مدرن) و قدیم (سنت) موجب تداوم فرهنگی در آثار

صنعتی می‌شود. به‌طور مثال طبقات قدیم و جدید یا اشراف و زمین‌دار و بورژوا در تاریخ کشورهای صنعتی خصوصاً اروپایی، فقط با یکدیگر در ستیز نبوده‌اند بلکه با یکدیگر سازش‌هایی نیز داشته‌اند و مجموعه این ستیزها و سازش‌ها است که چارچوب اساسی زندگی سیاسی و اقتصادی آنها را تعیین می‌کرده است. این پیوند پیدا و پنهان بین مدرن و سنت در کشورهای توسعه‌یافته در کنار چالش‌ها و ستیزهای آنها، هم در دوران شکل‌گیری جامعه صنعتی و هم در ایجاد جامعه پسا صنعتی معاصر مشهود است. حال آن‌که در کشورهای در حال توسعه مانند ایران بین مدرنیته (فناوری چاه عمیق) و سنت (فناوری قنات) تعامل‌های هستی‌شناختی وجود ندارد، و لذا صنعت جدید از دل میراث سرزمینی بیرون نمی‌آید که سازگاری خلاقانه و پویایی میراث برای توسعه صنعت را به همراه داشته باشد. به‌واقع رابطه قدیم و جدید در این تحولات، نه رابطه‌ای ترکیبی و پیوندی بلکه یک رابطه منفی بوده است. نابودی بسیاری از تأسیسات کشاورزی سنتی (چون قنات‌ها و کبوترخانه‌ها)، فراموشی روش‌های آبیاری، کشتکاری، کودورزی، دیم‌کاری، آیش‌بندی، برهم‌زدن و تضعیف سازمان‌ها و شیوه‌های تعاونی سنتی، بی‌آنکه تأسیسات و سازمان‌های کارآمدتر و شیوه‌های مؤثرتر و مطمئن‌تری جایگزین آنها شود.

۶) سرمایه‌های فرهنگی

سرمایه فرهنگی به انباشت معناها، تولید ارزش‌ها و تأثیر بر رفتارها و روبه‌های فرهنگی کنشگران در فضای کنش اجتماعی اطلاق می‌شود. ارزش‌های فرهنگی، ذائقه‌های فرهنگی، گزینش‌های فرهنگی، مصرف خدمات و کالاهای فرهنگی ملموس و غیرملموس (سینما یا تئاتر رفتن، بازدید از گالری هنر، موسیقی گوش دادن، خرید صنایع دستی و...) همگی از مؤلفه‌های کلیدی سرمایه‌های فرهنگی به شمار می‌آیند.

۷) آموزش

آموزش سوبه دیگر مباحث فرهنگی است. بی‌شک، تدبیر توسعه مبتنی بر چارچوب اجماع نیاز به جریان‌سازی آموزشی فراگیر و گسترده دارد. یکی از جریان‌سازی‌های مهم آموزشی برای سازگاری جوامع با محدودیت‌های محیط زیست و منابع طبیعی توسط سازمان ملل متحد انجام شد. این جریان‌سازی با عنوان «دهه آموزش توسعه پایدار (DESD)» از سال ۲۰۰۵ شروع و در ۲۰۱۴ میلادی خاتمه یافت. این برنامه آموزشی در همه سطوح آموزشی و برای دامنه وسیعی

از آموزش‌های رسمی و غیررسمی پیاده شد، از آموزش دوره مدرسه تا حرفه‌ای و کارآموزی، تحصیلات عالی، آموزش بزرگسالان و آگاه‌سازی عمومی. حوزه آب علاوه بر تأثیرپذیری از این رویداد، از برنامه‌های دهه بین‌المللی «اقدام آب برای زندگی» (۲۰۰۵-۲۰۱۵) نیز متأثر بوده است. این تأثیرات منجر به تهیه برنامه‌های آموزشی و تغییر برنامه‌های تحصیلی و شروع فعالیت‌های پژوهشی در این زمینه شد. در راستای این تأثیرات، به‌طور مثال، این امکان در ایران فراهم شده است که مبتنی بر لزوم توسعه نگاه چندوجهی به دانش در سطوح

دانشگاهی، دانشجویان کارشناسی علوم و مهندسی آب، می‌توانند ۳۰ واحد از دروس خود را به‌طور مشترک با دیگر رشته‌ها چون اقتصاد، حقوق، جغرافیا، منابع طبیعی، فناوری اطلاعات و نظایر آن بگذرانند. البته ارزیابی‌ها نشان می‌دهد که کارهای اصلی بسیاری هنوز باقی مانده و تقاضا برای تربیت مدیرانی که تحت این آموزش‌ها قرار گرفته‌اند ناچیز است.

۸) همکاری‌های بین‌رشته‌ای

تجارب بین‌المللی نشان می‌دهد دشواری علوم در ارتباط داشتن با یکدیگر توأمان با وجود نگرش‌های متفاوت فکری و تحلیل‌های گوناگون علاوه بر ایجاد مانع در فرایند تعریف درست مسئله آب، موجب ایجاد نگاه هژمونیک در مسائل آبی از سوی متخصصان فنی و بلااستفاده ماندن ظرفیت‌های سایر تخصص‌های دانشی شده است. بنابراین به جهت اینکه فرهنگ مقوله‌ای فراتخصصی است، پیشنهاد می‌گردد برای نیل به اهداف چندبعدی پایداری اکوسیستم، اکولوژیست‌ها و هیدرولوژیست‌ها باید با دانشمندان علوم اجتماعی و سیاست‌گذاران همکاری کنند، منتهی برای همکاری‌های بین‌رشته‌ای باید زیرساخت فرهنگی لازم که پیشتر بدان‌ها اشاره شد (مانند ارتباطات سازنده نهادی و انسانی، گفت‌وگو، فهم مشترک و ائتلاف) در بین نیروهای متخصص جامعه فراهم شود؛ چرا که تبیین مسئله و یافتن راه‌حل پیرامون مسائل آبی در برخورد فعال علوم مختلف نسبت به مقوله آب است که این صرفاً در فضای نقد و پرسش‌گری و گسترده‌شدن فضای گفت‌وگو درباره مسائل آبی حاصل خواهد شد.



اندیشکده تدبیر آب ایران

نشانی: نشانی: خیابان فتحی شقاقی، بین خیابان چهلستون و سیدجمال‌الدین اسدآبادی،
پلاک ۴۵، طبقه ۴ / تلفن: ۸۸۷۰۲۸۰۵-۸۸۷۰۲۰۱۳

www.iwprri.ir



اندیشکده تدبیر آب ایران
تلفن: ۸۸۷۰۲۸۰۵ / ۸۸۷۰۲۰۱۳